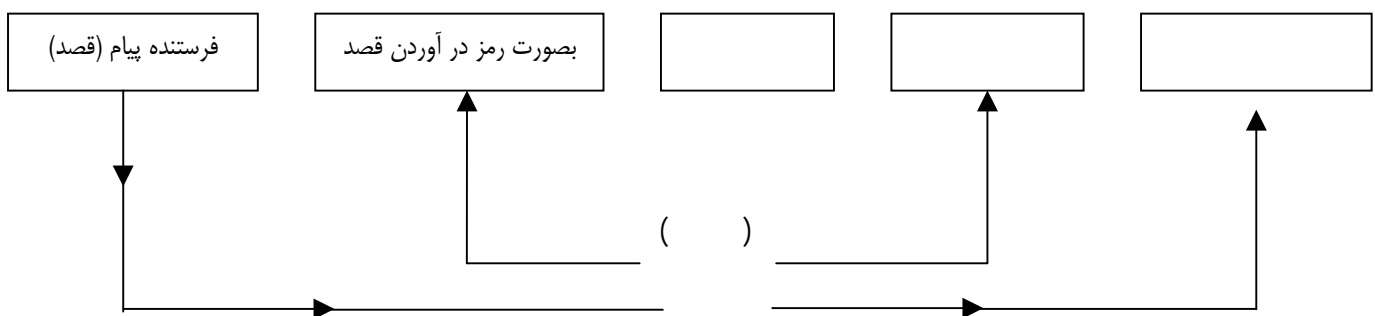


دکتر محمدرضا طاهری (۱)

در دو شماره قبل ضمن مروري بر نقش مدیریت در سازمان به کاربرد اطلاعات مالي در تصمیم‌گیری‌ها و انجام عملیات محوله اشاره شد. سپس با ویژگی‌های اطلاعات حسابداری برای استفاده کنندگان درون سازمانی و برون سازمانی آشنا شدیم. در ادامه چنین گفته شد که اگر چه استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری، با هم تضاد منافع دارند، ولی بهتر است روش‌هایی اتخاذ شود تا بدین وسیله بتوان بین اطلاعات مختلف ارتباط لازم را برقرار کرد زیرا برقراری ارتباط بین اطلاعات مختلف برای کسانی که علاقمند به درک عملیات شرکت و دور نمای آن هستند ضروري به نظر می‌رسد. در این شماره معنی و مفهوم ارتباط در سیستم اطلاعات حسابداری تشریح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معنای ارتباط

فرآیند ارتباط در سیستم اطلاعات حسابداری جایگاه ویژه‌ای دارد. برای تصمیم‌گیری‌های صحیح ضروري است که آن دسته از اطلاعاتی که با ارزش محسوب می‌شوند از طریق سیستم ارتباطی در اختیار کسانی قرار گیرد که این اطلاعات را ندارند. بنابراین برای حسابداران، مطالعه فرآیند ارتباط ضروري است.



هدف سیستم آن است که پیامی که توسط فرستنده ارسال می‌گردد، اقدامات دریافت کننده پیام را به طور مناسب تحت تاثیر قرار دهد. این امر فقط زمانی میسر خواهد شد که مفهوم پیامی که به دریافت کننده می‌رسد همان مقصود فرستنده پیام باشد. زیرا پیام تا رسیدن به دریافت کننده باید از مراحل واسطه‌ای که در مجرای پیام قرار دارد عبور کند، لذا ممکن است مشکلاتی از قبیل تحریف پیام و یا پارازیت در داخل سیستم پیش آید که منظور فرستنده پیام برآورده نشود. شرح مراحل واسطه می‌تواند ماهیت چنین مشکلاتی را آشکار کند.

در يك سیستم ارتباطی اطلاعات حسابداری، فرستنده پیام، حسابداران و دریافت کننده پیام، استفاده کنندگان از اطلاعات هستند. به صورت کد گذاری (به شماره یا رمز در آوردن) پیام در این سیستم ارتباطی، با استفاده از مفاهیم حسابداری نظیر دارایی- بدهی - استهلاك - سود و ... انجام می‌گیرد. هر کدام از این واژه‌ها معنای خاصی دارند. انتقال پیام در قالب گزارش‌های حسابداری و صورتهای مالی به شکل نوشته یا چاپ یا به وسیله کامپیوتر و یا از طریق تلفن و یا گفتگوی مستقیم انجام می‌شود.

تحریف معنای پیام ممکن است در هر يك از مراحل کدگذاری و یا کشف رمز آن اتفاق افتد. اگر تحریف معنای پیام در هنگام کشف رمز اتفاق افتد، در این حالت به آن تحریف معنی گفته می‌شود و اگر تحریف در مرحله انتقال رخ دهد، در این حالت به آن تحریف فنی (موانع فنی) می‌گویند. عموم؟ تحریف معنی، زمانی رخ می‌دهد که گیرنده پیام معنای دیگری غیر از آنچه که منظور فرستنده است برداشت کند. تحریف فنی از پیچیدگی حاصل از عملکرد خودکار وسایل ارتباطی ناشی می‌شود.

تحریف فنی می‌تواند مشکل عمده‌ای باشد ولی در سیستم‌های حسابداری این نوع تحریف به ندرت و به صورت اشتباه در چاپ صورتهای مالی و گزارش‌های حسابداری بروز می‌کند.

تحریف معنی زمانی ایجاد می‌شود که معانی مختلفی برای يك واژه و یا يك سري از واژه‌ها وجود داشته باشد. این امر علت بسیاری از مشکلات حسابداری است.

اگر فرستنده و گیرنده پیامهای حسابداری نتوانند روی اصول معینی توافق کنند، ارتباط، موثر نخواهد بود. برای مثال فرض کنید که حسابدار به مدیر شرکت بگوید که ماشین آلات در ترازنامه به قیمت پنج میلیون ریال نشان داده می‌شود. مدیر از این پیام چه برداشتی خواهد کرد؟ آیا معنای آن بدین گونه برداشت می‌شود که ماشین آلاتی شبیه این، در حال حاضر پنج میلیون ریال می‌ارزد (ارزش جایگزینی)؟ آیا معنایش این است که اگر شرکت در حال حاضر این ماشین آلات را بفروشد پنج میلیون ریال دریافت خواهد کرد (ارزش فروش مجدد)؟ آیا معنایش این است که بهای تمام شده اولیه ماشین آلات پنج میلیون ریال است (بهای تمام شده تاریخی)؟ آیا معنایش این است که بهای تمام شده پس از کسر استهلاک انباشته پنج میلیون ریال است (ارزش دفتری)؟ هر کدام از این معانی متفاوت ممکن است در گزارشهای حسابداری مورد استفاده قرار گیرد.

مشکل تحریف معنی در حسابداری بیشتر از اندازه‌گیری ناشی می‌شود. اندازه‌گیری در حسابداری به طور سنتی به معنای بیان موضوعات یا فعالیتهای مربوط به یک واحد بر حسب ارقام پولی است به طریقی که ارائه آنها به صورت مجموع یا تک تک امکان پذیر گردد. به همین دلیل پول به عنوان کارآمدترین وسیله برای اندازه‌گیری و انتقال اطلاعات حسابداری در کلیه مراحل فرآیند حسابداری به کار گرفته می‌شود. چون اندازه‌گیری، فرآیند طبقه‌بندی و تشخیص را نیز شامل می‌گردد و حسابداران سالهاست که تشخیص داده‌اند علاوه بر ارائه اطلاعاتی که به صورت اعداد و ارقام پولی بیان می‌گردد به سایر اطلاعاتی نیز که در قالب ارقام پولی نمی‌گنجد نیاز است، بنابر این بر یادداشتهای پیوست صورتهای مالی تاکید می‌گردد. این یادداشتهای از تحریف معنی جلوگیری می‌کنند.

مهمترین خصوصیت همه واحدهای اندازه‌گیری، ثبات است. خواه از نظر وزن باشد یا مسافت، پول و غیره. مثلاً برای مهندسان و معماران دانستن این نکته ضروری است که آیا متر واحد اندازه‌گیری آنهاست یا تن و یا چیز دیگری. اگر آنها واحد اندازه‌گیری را نشناسند، پلی را که ساخته‌اند ممکن است فرو ریزد. اگر آنها تصور کنند که متري را که به عنوان واحد اندازه‌گیری به کار می‌برند استاندارد نیست، می‌توانند طول آن را با طول متر پلاتینی استاندارد که وجود دارد مطابقت دهند. اما حسابداران چنین امکانی را برای واحد اندازه‌گیری در اختیار ندارند. اطلاعاتی که حسابداری تهیه می‌کند عمدتاً بر بهای تمام شده تاریخی مبتنی است و در این روش تغییرات در قدرت خرید پول نادیده گرفته می‌شود و فرض می‌گردد که ارزش واحد پول ثابت است. به علت ثبات نداشتن ارزش پول، مقایسه دارایی‌ها، بدهی‌ها و سودهای حاصل از یک دوره مالی با اقلام مشابه از سایر دوره‌ها برای حسابداران دشوار می‌شود. در چنین مواردی حسابداران می‌توانند با تعدیل واحد اندازه‌گیری بر این مشکل غلبه کنند. اما تعدیلات کدامند؟ حسابداران در هنگام تغییر واحد اندازه‌گیری چه عملی باید انجام دهند؟ آیا واحد اندازه‌گیری باید براساس نرخ تورم تعدیل شود؟ آیا واحد اندازه‌گیری برای آن دسته از تغییر قیمت‌هایی که در ارتباط با دارایی‌ها و بدهی‌ها هستند باید تعدیل شود؟ این موضوع در حقیقت اساس مشکل اندازه‌گیری حسابداران به شمار می‌رود و تاکنون در حسابداری توافقی در مورد بهترین روش اندازه‌گیری وجود نداشته است. (ادامه دارد)